نقد احتمال دوم؛ عدم کفایت مضی از مقارنه در شروع ماه

شاگرد: هر دو احتمال ایشان، احتمال انتزاعی هستند. ملازمه ای ندارند. یعنی حالا که من ندیدم، درست است فوق افق او است اما اینکه حتماً هلال تشکیل شده را از کجا می‌گویند؟ ممکن است فاصله خیلی کم باشد و آن سیزده شرط فراهم نشده باشد. صرف اینکه ماه بالای افق باشد که فایده ندارد.

30:28

استاد: من که عبارت ایشان را دیدم به ای حرف جابر بن زید افتادم. یک بار دیگر قبلاً عرض کرده بودم. در نقل اهلسنت[1] هست. نزد او آمدند و گفتند در روز ماه را دیدیم. گفت نگاه کنید پشت سر خورشید می‌رود یا جلوی آن می‌رود. اگر دیدی جلوی خورشید به طرف مغرب می‌رود، هنوز به مقارنه نرسیده است. زودتر طلوع کرده است. اما اگر دیدی هلال پشت سرش است، یعنی خورشید جلو جلو به طرف مغرب می‌رود و آن هم پشت سرش است، این هلال ماه جدید است. به نظرم جابر بن زید بود. فقیه معروفی بوده. قبلاً صحبتش شد.

من الآن که حرف ایشان را دیدم به ای حرف او افتادم. و همچنین اگر شما به این صورت حرف بزنید که چون اینجا زیر افق است، پس کسانی که مغربشان است در بالای افق است، این یعنی شما یک مطلب خلاف اجماع را قبول کرده‌اید. آن خلاف اجماع چیست؟ این است که مضی مقارنه در حدوث ماه جدید کافی است. در شدن قمر از مقارنه، کافی است. این خلاف اجماع فقها است.

البته قبلاً برای اینکه خلاف اجماع نشود من توجیهی را عرض کردم. گفتم این تا حدود زوال بعدی فاصله‌های جور می‌شود. برای کل کره هم عرض کردم. حال قطع نظر این آن توجیه، فعلاً ظاهرش این می‌شود که ایشان می‌گویند مضی قمر از مقارنه برای اینکه «ماهیان»، چون در مشرق ما هلال زیر افق است، پس در مغرب آنها بالای افق است. خُب بالای افق باشد، باید از تحت‌الشعاع خارج شود. بالای افق باشد، یعنی از مقارنه در شد، خُب ثم ماذا؟! از صرف اینکه از مقارنه در شده، رئی او لم یر، شما می‌گویید کافی است، این حدیث خلاف اطلاق اجماع می‌شود. بله اگر متعارف بگیریم و تخصیص بزنیم حرف دیگری است.

شاگرد: اجماع بر چه چیزی؟

استاد: اجماع بر چیزی که مرحوم مجلسی فرمودند. فرمودند برای شروع ماه جدید، مضی قمر از مقارنه قول یهود است، و در شریعت اسلامیه صرف مضی از مقارنه شروع ماه نیست، بلکه اهلال هلال شرط است. باید هلال هلال شود تا نزد مسلمانان ماه شروع شود. «لیس علی المسلمین الا الرویه». «لیس علی اهل القبله الا الرویه». با این بیانات به این صورت فرموده‌اند. عرض کردم

آیا علماء یهود این را درآوردهاند یا در منابعی که دارند به شریعت حضرت موسی به‌عنوان وحی نسبت میدهند؟ اگر آن باشد بحث ما میآید که آیا السلام با «لیس علی المسلمین» آن را نسخ کرده؟ یا لسان آن لسان نسخ نیست، بلکه لسان آن لسان تسهیل شریعت سهله است، برای وصول احراز موضوع؟

شاگرد: احتمال چهارم مشکل دیگری هم دارد. ظاهرش این است که ماه جدید منطقه ما با ماه جدید منطقه آنها فرق کند، کما اینکه بعضیها گفتهاند. ما نمیبینیم و بالنسبة الیه هلال جدید است. دوباره اختلاف منطق میشود.

استاد: بله. این احتمالی که ایشان فرمودهاند در اشکالی که در برگه به من دادند هست. خلاصه آن را عرض میکنم.

---

[1] مصنف ابن أبي شيبة (٢/ ٣١٩)

٩٤٥٦ - حدثنا أبو داود، عن عمر بن فروخ، عن صالح الدهان، قال: رئي هلال آخر رمضان نهارا فوقع الناس في الطعام والشراب، ونفر من الأزد معتكفين، فقالوا: يا صالح أنت رسولنا إلى جابر بن زيد، فأتيت جابر بن زيد، فذكرت ذلك له قال: «أنت ممن رأيته؟» قلت: نعم، قال: «أبيّن يدي الشمس رأيته، أو رأيته خلفها؟» قلت: لا بين يديها، قال: «فإن يومكم هذا من رمضان، إنما رأيتموه في مسيره فمر أصحابك يتمون صومهم واعتكافهم»

بازبینی #1
ایجاد شده 23 آوریل 2026 14:04:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 آوریل 2026 14:05:49 توسط ... .